



Analysis of the Features of Speculative Fiction in Three Iranian Novels(Kaj-Zadegi, Mah-Ālood, Baran-Zad)

Fatemeh Ghodsijoo Langaroudi¹  Aliye Yousef Fam²  Soheila Ghasimi Tarshizi³ 

1.Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: ghodsijoo@gmail.com

2.Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: daliehyf@gmail.com

3. Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sohighassmi@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Article

Article History:

Received:
14, November,
2024

In Revised form:
5, December, 2024

Accepted:
3, March, 2025

Published Online:
10, March, 2025

Speculative fiction surpasses the rules of our world to create entirely new ones. The sub-genres of dystopian, apocalyptic, and post-apocalyptic fiction consider very extreme circumstances that test human values and survival. This paper compares Kāj-Zadegi and Bārān-Zād by Zoha Kazemi with Mah-Ālood by Alista Aghaei, focusing on their governance systems, societal structures, and defining characteristics. The comparison is done along four dimensions: governance, human experience, social dynamics, and environmental features.

Kāj-Zadegi emphasizes authoritarianism, strict security measures, harsh punishments, and loss of personal identity through mechanization. In contrast, Bārān-Zād is subtler in her critiques while addressing character development, empathy, and the struggle of individuals for love, justice, and survival in the face of adversity. Common to all three works are themes of societies recovering from human or natural catastrophes. Shared motifs include class relations, fear, hope, chaos, betrayal, and strange end-of-the-world creatures.

While Mah-Ālood has stressed military components, Kāj-Zadegi does not highlight religion and sovereignty, demoting militarism, whereas Bārān-Zād refers to them all. Their settings are different Mah-Ālood on a faraway planet and Kāj-Zadegi and Bārān-Zād on Earth, but with different futures of dystopia. All three works explore how governance and societal structures adapt to and reflect the challenges of speculative worlds.

Keywords: Speculative Fiction, Dystopia, Apocalyptic, Post-apocalyptic, Governance, Contemporary fiction.

Cite this The Author(s): Ghodsijoo Langaroudi, F.; Yousef Fam, A; Ghasimi Tarshizi, S.: (2025). "Analysis of the Features of Speculative Fiction in Three Iranian Novels (Kaj-Zadegi, Mah-Ālood, Baran-Zad)", Persian Literature. Vol. 14, No. 2, Serial No. 34- Autumn-Winter, (137-160). DOI:10.22059/jpl.2025.390434.2284



Publisher: University of Tehran Press



بررسی مشخصه‌های ادبیات گمانه‌زن در سه رمان معاصر (کاج‌زدگی، مه‌آلود، باران‌زاد)

فاطمه قدسی جو لنگرودی^۱ | عالییه یوسف فام^۲ | سهیلا قسیمی ترشیزی^۳

۱. گروه دانشی زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ghodsijoo@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه دانشی زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

daliehyf@gmail.com

۳. گروه دانشی زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sohighassmi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی- پژوهشی	گمانه‌زن، داستانی است که قوانین جهان‌ش با دنیای واقعی تفاوت دارد؛ پادآرمانشهر، آخرالزمان و پساآخرالزمان زیرشاخه‌های این ژانر هستند. این مقاله، با بررسی مشخصه‌های کاج‌زدگی و باران‌زاد از ضحی کاظمی و مه‌آلود از الیستا آقایی، علاوه بر بررسی و تصویر نظام‌های حاکم بر جوامع این داستان‌ها، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان نیز می‌پردازد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴	نتایج پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های این ژانر در چهار شاخه اصلی قرار می‌گیرند که عبارتند از: مشخصه‌های حکومتی، بشری، اجتماعی و اقلیمی. کاج‌زدگی در بسامد مشخصه‌های حکومتی نظیر استبداد، تدابیر امنیتی، اتهام و اشد مجازات و مشخصه‌های بشری مانند عدم هویت و ماشین‌انگاری بشر، پیش‌تاز است؛ در حالی که باران‌زاد کمترین بسامد را دارد. هر سه اثر در شخصیت‌پردازی، همزادپنداری و نمایش بشر اندیشمند و انتقام‌جو که خواهان عشق و زندگی است، مشترک هستند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳	در مشخصه‌های اجتماعی، هر سه اثر پیامد یک فاجعه انسانی یا طبیعی هستند و در نظام طبقاتی، بیم و امید، هرج و مرج، خیانت و موجودات عجیب مشترکند. کاج‌زدگی، برخلاف دیگر آثار، فاقد دین و رهبر است و نظامی‌گری در آن مختص حکمران است؛ بسامد این مشخصه در مه‌آلود، بالاترین و در باران‌زاد پایین‌ترین است. شرایط اقلیمی هر سه داستان در ناکجاآبادی در آینده است؛ مه‌آلود در سیاره‌ای دور و دو اثر دیگر روی زمین رخ می‌دهند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰	

واژه‌های کلیدی: ادبیات گمانه‌زن، آخرالزمان، پادآرمانشهر، پساآخرالزمان، مشخصه، داستان معاصر.

استناد: قدسی جو لنگرودی، فاطمه؛ یوسف فام، عالییه؛ قسیمی ترشیزی، سهیلا. (۱۴۰۳)، «بررسی مشخصه‌های ادبیات گمانه‌زن در سه رمان معاصر (کاج‌زدگی، مه‌آلود، باران‌زاد)»، ادب فارسی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۳۴. (۱۶۰-۱۳۷).
DOI:10.22059/jpl.2025.390434.2284



۱. مقدمه

داستان‌نویسی، از علائق همیشگی بشر بوده است؛ داستان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: داستان‌های واقعی برخاسته از جهان واقعی و داستان‌های خیالی یا مجازی که ساخته و پرداخته ذهن خالق است و با نام‌های غیرواقعی، وهمی و تصویری هم شناخته می‌شوند. (میر صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴) اصطلاح «Speculative fiction» همان داستان خیالی است که اولین بار در سال ۱۹۴۸ «هاین لاین»^(۱)، آن را معروف کرد. (جرالد آر، لوکاس، ۲۰۱۰)^(۲) و آکادمی فانتزی ایران برگردان فارسی «ادبیات گمانه‌زن» را جایگزین آن کرد.

ادبیات گمانه‌زن، هر نوع داستانی است که قوانین جهان‌ش با قوانین دنیای واقعی متفاوت است و نویسنده آن به کاوش در پیامدهای تغییر دادن چیزی واقعی و ممکن می‌پردازد و پایه‌ریزی این ژانر در امر مادی به جای ماوراءالطبیعه یکی از ویژگی‌های کلیدیش است. (آدامز، ۱۳۸۳: ۱۷۲) اهمیت بررسی ژانر گمانه‌زن این است که در ادبیات تألیفی و پژوهشی ایران، کمتر به آن پرداخته شده است و موضوعی است که در دهه اخیر با افزایش آثار ترجمه، بیشتر مورد توجه نویسندگان و مخاطبان اعم از کودک و نوجوان و بزرگسال قرار گرفته است؛ زیرا همواره با پرسش‌هایی متمرکز بوده که انسان‌ها از آغاز تمدن همواره از خود پرسیده‌اند. (حاج زمان، ۱۳۹۰: ۱۸)

این آثار، افزون بر ارزش ادبی و خیال‌انگیزی، از جنبه واداشتن بشر به تفکر نیز ارزشمند است؛ زیرا، جهان سرشار از بدی، سرانجام به پادآرمانشهر تبدیل شده و تقابل خیر و شر و جنگ آن‌ها تا آخرالزمان و پسا آخرالزمان هم کشیده می‌شود.

از این رو در این مقاله با انتخاب سه کتاب کاج‌زدگی (نماینده پادآرمانشهر)، مه‌آلود (نماینده آخرالزمان) و باران‌زاد (نماینده پسا آخرالزمان)، مشخصه‌های ادبیات گمانه‌زن که پژوهش‌های دیگر، کمتر به آن‌ها پرداخته‌اند، در شاخه‌های حکومتی و بشری و اجتماعی و محیطی، بررسی شده و با بهره‌گیری از یافته‌های مذکور، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها تحلیل می‌شود.

این پژوهش، یک مطالعه نظری مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و بر مبنای هدف تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و در آن، به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:

۱. مشخصه‌های ادبیات گمانه‌زن در سه رمان منتخب این ژانر کدام است؟

۲. شباهت‌ها و تفاوت‌های مشخصه‌های ادبیات گمانه‌زن در این سه رمان چیست؟

دربارۀ پیشینه این پژوهش، مطالعات مرتبط با ژانر آرمانشهر و پادآرمانشهر و آخرالزمان و پسا آخرالزمان از این قرارند: الهام امینی نسب (۱۳۹۵: ۴۶-۱۹)، ویژگی‌های آرمانشهر و عوامل شکل‌گیری و انواع مدینه فاضله (آرمانشهر) را از دیدگاه فارابی بررسی و تحلیل کرده است. شهاب اسدی (۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۳۵) ویژگی‌های اتوپیا (آرمانشهر) و دیس اتوپیا (پادآرمانشهر) را در قالب

داستانی از ارول بررسی کرده است؛ آرمانشهری که با قدرت گرفتن حکومت و خارج شدن امور از دست مردم عادی جامعه، نارضایتی‌ها افزوده می‌شود و «در پایان به نفع و سود شخص و رهبری واحد و مقدس ختم می‌گردد و انسان در آن تنها به عنوان ابزاری برای رسیدن به سود بیشتر نقش ایفا می‌کند.» (۱۳۹۶: ۱۵۵)

اسلام‌پور، حق‌لسان و عباس‌زاده (۱۳۹۷: ۷۴-۶۵)، به بررسی مفاهیم اندیشه‌های آرمانشهری و پادآرمانشهری در اشعار سهراب سپهری و فریدون مشیری پرداخته‌اند و توجه به «عدالت، انسانیت و ابعاد انسانی، صلح و آشتی، مهرورزی و عشق و محبت» (۱۳۹۷: ۷۳) را لازمه هر جامعه آرمانشهری دانسته‌اند.

حمیدرضا افشار (۱۳۹۱: ۶۴-۴۷)، به تاریخچه و طبقه‌بندی اتوپیا در اندیشه سیاسی افلاطون پرداخته و ادبیات و اندیشه سیاسی را در یک عرصه نشان داده و معتقد است که نقد جامعه آرمانی با ادبیات و شاخه‌های آن (مانند تئاتر) صورت می‌گیرد. (۱۳۹۱: ۴۷)

در پیشینه آخرالزمان و پسا آخرالزمان هم زهره محبی (۱۳۹۶) به تعریف و تاریخچه داستان‌های پسا آخرالزمانی و مشخصه‌های آن پرداخته و معتقد است که ژانر پسا آخرالزمانی به زندگی انسان بعد از پایان جهان می‌پردازد و دلایل به وجود آمدن این ژانر را ترس‌ها و نگرانی‌های قرن نوزده و شروع مدرنیته، عصر ظهور تکنولوژی و ماشین‌ها و جنگ‌های هسته‌ای می‌داند؛ او بلاهای طبیعی، هم‌چون زلزله‌های وسیع، سیل‌ها، طوفان‌ها و سونامی‌های وحشتناک را مهمترین دلایل این نگرانی‌ها در قرن اخیر می‌داند. (محبی، ۱۳۹۶: ۱۴)

حسن ستاری ساربانقلی (۱۳۹۵: ۴۴-۲۵)، به بررسی موضوعی یکی از ارکان ژانر آخرالزمان پرداخته و نقش منجی را در جامعه آرمانشهر، بررسی و تحلیل کرده است.

به جز این موارد، منابع کمی درباره مشخصه‌های ژانرهای آخرالزمان و پسا آخرالزمان یافت شد و نگارنده با بررسی و تحلیل محتوا در داده‌ها، مشخصه‌های مشترکی را از این سه کتاب استخراج نموده و به مقایسه آن‌ها می‌پردازد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

گمانه‌زن، عنوان کلی برای سبک‌ها و زیر سبک‌هایی است که در آن سه ویژگی مهم رعایت شده است؛ نخست: متن ادبی می‌بایست بتواند مخاطب خود را به گمان و تردید بیندازد که آیا حوادث و قوانین حاکم بر داستان همان قوانین معمول و شناخته‌شده است یا قوانین فراطبیعی بر آن حاکم است؟ دوم، خود شخصیت‌های داستان هم ممکن است دچار همین تردید و گمانه‌زنی شوند و در واقعیت داشتن حوادث داستانی شک بکنند و سوم آنکه در پایان ماجرا مخاطب باید بتواند بر اساس شواهد و حقایق داستانی به قضاوت منطقی برسد که آیا داستان واقع‌گرایانه بوده است یا فراطبیعی؟

گمانه‌زن، عنوانی است که به مجموعه آثار فانتزی، علمی تخیلی، وحشت، آرمانشهر، پاد آرمانشهر، آخرالزمان و پساآخرالزمان و ... گفته می‌شود؛ بنابراین، مشخصه‌های گمانه‌زن، ویژگی‌های هریک از این داستان‌ها می‌باشد و این عنوان (گمانه‌زن)، بدون وجود این داستان‌ها، هیچ مشخصه خاصی ندارد.

این ژانر به کاوش در پیامدهای تغییرات در قوانین جهان واقعی می‌پردازد و در دیکشنری آدایس این گونه تعریف شده است:

«ادبیات داستانی گمانه‌زن دسته‌ای وسیع از ادبیات داستانی است که شامل ژانرهایی با عناصری است که در واقعیت، تاریخ ثبت شده، طبیعت یا دنیای کنونی وجود ندارند. چنین داستانی موضوعات مختلفی را در زمینه‌های فراطبیعی، مربوط به آینده و دیگر حوزه‌های تخیلی پوشش می‌دهد. ژانرهای زیر این دسته شامل علمی-تخیلی، فانتزی، ترسناک، ابرقهرمانی، تاریخ جایگزین، اتوپیا و دیستوپیا و همچنین ترکیبی از آن‌ها (به عنوان مثال، فانتزی علمی-تخیلی) می‌شود.»

ایران کتاب به نقل از مارگارت اتوود^(۳) در توصیف این ژانر بیان می‌کند: «آن احتمالاتی در جامعه که هنوز به وقوع نپیوسته‌اند؛ اما، نهفته و قریب‌الوقوع به نظر می‌رسند، نقشی اساسی را در خلق داستان‌های گمانه‌زن ایفا می‌کنند. هر نوع فناوری یا عنصر فانتزی در ادبیات گمانه‌زن می‌تواند در واقعیت‌های کنونی جامعه و یا مسیر پیش روی آن، ریشه داشته باشد.»

در ژانر گمانه‌زن، سه زیرمجموعه مهم شامل پادآرمانشهر، آخرالزمان و پساآخرالزمان وجود دارد: **پادآرمانشهر**^(۴)؛ ادبیات پادآرمانشهری یا ادبیات پلیدشهری^(۵) یا ادبیات بیمارگونه^(۶) که در آن، آینده جامعه بشری، شوم و بیمارگونه و سرشار از پلیدی است. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۷) و جوامعی را نشان می‌دهد که همه چیز ناخوشایند است و در تقابل با آرمانشهر قرار دارد و به جنبه‌های دروغین متقاعدکننده‌ای متکی است. (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۴۵)

آخرالزمان^(۷) و **پساآخرالزمان**^(۸) : این داستان‌ها در دوران نابودی یا بازسازی جهان روایت می‌شوند و اغلب با موضوعاتی چون جنگ، نابودی زیست‌محیطی و سقوط تمدن‌ها سروکار دارند.

۳. خلاصه کتاب‌ها

کاج‌زدگی (ضحی کاظمی)، این داستان پادآرمانشهری، در کشوری جنگ‌زده با حکومت دیکتاتوری دما رخ می‌دهد که سیاست‌های اجباری؛ مانند، نامگذاری افراد، انتخاب همسر و شغل، اصلاح نژاد، عقیم‌سازی و کنترل جمعیت را اعمال می‌کند؛ در این بین گروهی که مخالف اوامر و قوانین حکومت هستند، به خارج از شهر می‌گریزند و در خرابه‌های شهر قدیمی مخفی می‌شوند؛ دما عده‌ای از آن‌ها را دستگیر کرده و به آزمایشگاه‌های ویژه تحقیقات پنهانی خود می‌فرستد و عده‌ای دیگر را که مخفی هستند، تحت نظر دارد.

بیماری مرگبار کاج زدگی، مسئله اصلی داستان است که در کشور شیوع پیدا کرده و علت آن، جهش ژنتیکی سلول‌های استخوانی در انسان‌های آزمایشگاهی است که در چند روز، بیش از نیمی از جمعیت کشور را کشته است؛ مرگی سریع و بدون درد که در یک ثانیه اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود از یک انسان سالم، جسدی خشک‌شده باقی بماند که نه بو می‌گیرد و نه می‌گندد؛ مرگی که مسبب ترس بازماندگانی است که هر روز تعدادشان کمتر می‌شود. داستان در چند فصل تنظیم شده و شخصیت اصلی و راوی در هر فصل متفاوت است؛ آن‌ها در انتظار مرگ خود یا عزیزانشان در حال بازگوکردن خاطرات زندگی و حرف‌های ناگفته هستند. حکومت دما بر همه زندگیشان سایه انداخته و در استبداد و وحشت و سردی و تاریکی زندگی غم‌باری را ادامه می‌دهند.

مرگ کارکنان دما و نابودی حکومت، همزمان با مرگ همه شخصیت‌های داستان که عمدتاً بزرگسالان هستند، فضای داستان را متحول کرده است؛ مبارزان مخالف، به شهر ویران بازگشته و کودکان بازمانده از این بلا را در پناه خود گرفته و به سوی آینده‌ای جدید حرکت می‌کنند. مه‌آلود (آلیستا آقای)، داستان آخرالزمانی که در آینده‌ای مفروض روایت می‌شود؛ پس از مرگ خدای واقعی و جانشین شدن فرزندان دروغینش (سه مرد و یک زن) که به ایزدان معروفند، زمین، نابود شده و اکثر ساکنان آن از بین رفته‌اند و تعداد کمی از این فاجعه جان سالم به در برده‌اند که در سرزمینی جدید به نام هونا زندگی می‌کنند؛ ایزدان قصد پرورش انسان‌های ژنتیکی را دارند؛ اما، شورشیان با آن‌ها مخالفت می‌کنند.

شخصیت اصلی، دختری به نام حوا، داستان خانوادگی و عشقی او در هم تنیده است؛ پدرش از کارکنان حکومت است و عشقش از شورشیان مخالف حکومت ایزدان و نقش او از زمانی آغاز می‌شود که در می‌یابد زمین از بین رفته و خدایان، دروغین هستند و باید بین خانواده و دوستان و رفتن به زمین، یکی را انتخاب کند؛ او رفتن را انتخاب می‌کند؛ اما، نقشه‌اش شکست می‌خورد و برای خدمت به ایزدان تا آخر عمر، تبعید می‌شود.

باران‌زاد (ضحی کاظمی)، داستانی علمی-تخیلی و پساآخرالزمانی که جهانی آینده‌نگرانه را به تصویر می‌کشد. زمین، پس از بلایای طبیعی و وقوع مه بزرگ کاملاً غرق در آب شده است؛ انسان‌ها از بین رفته‌اند و تمدن نابود شده است؛ بازماندگان این فاجعه، با آیین‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جدید، روی کشتی‌ها و جزایر شناور زندگی می‌کنند. مردم در این وضعیت باید بین پیروی از فرامین حاکمان و جانشینان ناجی بزرگ برای بقا یا پذیرش مجازات سخت، یکی را انتخاب کنند. خرافاتی که در قالب دستورات ناجی به مردم اعمال می‌شود، سبب شکل‌گیری تمدن جدیدی شده است و زندگی بر پایه اعتقادات بی‌اساس شکل گرفته است که جانشینان ناجی با این ابزار بر مردم احاطه دارند.

شخصیت اصلی این داستان، تیراد، یکی از پیروان ناجی است که برای تحقیق دربارهٔ مشکلات مردم دریا به مأموریتی فرستاده می‌شود؛ او در این سفر با عشق، از دست دادن و چالش‌های اعتقادی مواجه می‌شود. در پایان، تیراد تلاش می‌کند به همراه خانواده‌اش دنیایی جدید و مستقل بسازد.

در این مقاله با بررسی مشخصه‌های گمانه‌زن در این سه اثر، می‌توان تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها را در موضوعات مطرح شده نشان داد؛ این مشخصه‌ها در چهار دسته‌بندی کلی عبارتند از:

مشخصه‌های حکومتی:

- حکمرانی از قدرتی تمامیت‌طلب
- وجود تدابیر سیاسی، اجتماعی و صنعتی در ظاهر سالم؛ اما، در واقع تهدیدگر و زیان‌زننده.
- اجبار در شکل تشخیص مصلحت
- اتهامات بی‌اساس و اشد مجازات
- ایجاد ترس و تهدید

مشخصه‌های بشری:

- بی‌هویتی بشر (نداشتن نام - عدم ارزشمندی انسان - نداشتن شخصیت‌پردازی - عدم هدفمندی - تسلیم و سرسپردگی - ماشین‌انگاری انسان‌ها)
- تولد عشق و مقاومت
- تولد اندیشه‌ورزی
- روحیهٔ انتقام
- همزادپنداری

مشخصه‌های محیطی و اقلیمی:

- شرح سفر به گذشته و آینده‌ای مفروض و ابهام زمان
- جغرافیای اقلیمی و ابهام مکان

مشخصه‌های اجتماعی:

- نشان دادن نتایج تلخ یک تصمیم یا تفکر یا عملکرد در جامعه
- تکنولوژی پیشرفته
- آشوب و هرج و مرج
- نظام‌مندی طبقاتی جامعه
- فریب و خیانت و زنده‌ماندن به هر قیمتی
- نگرش کار گروهی و نفی فردیت
- دین
- مرگ‌اندیشی و تاریکی و سکوت و افسردگی
- ترس (همهٔ ابعاد) و امید
- موجودات عجیب و غریب

– آموزش‌های رزمی و نظامی زیر نظر رهبر (منجی)

– دگرگونی و آشنایی‌زدایی و تازگی ثانویه

۴. تحلیل و بررسی مشخصه‌های گمانه‌زن

به دلیل آن که ژانرهای پادآرمانشهر و آخرالزمان و پساآخرالزمان، در توالی هستند؛ بنابراین ویژگی‌های گمانه‌زن استخراج شده از این سه داستان را می‌توان در چهارشاخه کلی، دسته‌بندی کرد:

۱- مشخصه‌های حکومتی

حکومت در این داستان‌ها به عنوان نماد قدرت و تسلط بر زندگی مردم نقش مهمی دارد. در کاج‌زدگی، «میان حاکم و توده مردم رابطه درستی نیست و فرمانروا به شایستگی بر اریکه قدرت تکیه نزده است.» (حریری، ۱۳۹۱: ۲۰۳)؛ دما، با رویکردی تمامیت‌طلب، بر زندگی مردم نظارت کامل دارد و با سرکوب اجتماعی و ایجاد محدودیت‌های شدید و ترس و تهدید، بقای خود را تضمین می‌کند؛ هرگونه مخالفت با قوانین، حتی با کوچک‌ترین اتهامات، به مجازات مرگ منجر می‌شود:

«اعلام کردند هر گونه اعتراض به عمل انجام شده، چه مستقیم، چه غیر مستقیم، با برخورد جدی دما و حذف فرد از جامعه صورت می‌گیرد.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۵)

در مه‌آلود نیز، ایزدان از ابزارهایی مانند نظارت و حکومت نظامی برای کنترل مردم استفاده می‌کنند. ساختارهای اجباری زندگی، از جمله شغل‌ها و روابط اجتماعی، همه تحت فرمان حکومت است:

«در طول شب حکومت نظامی برقرار بود... نقطه به نقطه شهر با دوربین رصد می‌شد.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۱۳۵)
اما درباران‌زاد، با شکل‌گیری تمدن جدید، استبداد حکومتی کم‌رنگ‌تر شده و قوانین بر اساس خودکنترلی اعمال می‌شوند: «می‌دانست پیروان ناجی اجازه نداشتند با هیچ زنی ارتباط داشته باشند. همیشه حد را نگه داشته بود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۶۴)

هرچند نقض قوانین هم‌چنان مجازات‌های شدیدی به همراه دارد:

«دستبرد زدن به دارایی‌های کشتی ناجی، نافرمانی بزرگی بود و مجازات مرگ به همراه داشت.» (همان: ۱۱۵)
در داستان‌های گمانه‌زن، خصوصیات حکومتی در سه دوره زمانی متفاوت (پیش از فاجعه، حین فروپاشی و پس از آن) مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین، حکومت در کاج‌زدگی بالاترین سطح استبداد را دارد، در مه‌آلود به دلیل فروپاشی نظم قبلی، استبداد کم‌رنگ‌تر است و در باران‌زاد با آغاز تمدن جدید، ارزش انسان‌ها بیشتر شده و استبداد کاهش یافته است.

۲. مشخصه‌های بشری

۲-۱. بی‌هویتی بشر: بشر، سازنده پیکره هر اجتماعی است و مجموعه افکار، نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات او، هویتش است. در این بخش، ارزش انسان در هر سه اثر به درجات متفاوتی نمایش داده شده است:

در کاج‌زدگی، «نقش انسان رو به افول می‌رود و انسان فقط به عنوان ابزار استفاده می‌گردد.» (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۴۵)؛ انسان، فاقد هویت و اختیار است و تنها به عنوان ابزاری برای بقای حکومت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا، برقرار ماندن نظم اجتماع به هر قیمتی و امتداد قدرت دما مهم‌ترین هدفش است:

«اعتماد و سرسپردگی که دما مقابل همه خدماتش از مردم انتظار داشت.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۴)

بنابراین، بشر بی نام و هویت، بدون ارزشمندی و هدفمندی و حق انتخاب همسر و فرزند، همانند ماشین، وظایف خود را انجام می‌دهد و در بی‌نامی، مسیر دلخواه دما را طی می‌کند.

در مه‌آلود نیز انسان‌ها ابزار حکومت ایزدان هستند و برای پیشبرد اهداف حکمرانان، از آن‌ها استفاده می‌شود:

«دوستان و اعضای خانواده‌مان را می‌گرفتند و به موجوداتی غیر انسانی تبدیل می‌کردند.» (آقای، ۱۳۹۷: ۸۴)

در باران‌زاد، هرچند انسان‌ها هنوز تحت قوانین حکمرانان زندگی می‌کنند، اما، ارزش آن‌ها در مقایسه با دو اثر دیگر بیشتر است و رشد هویتی و اجتماعی مشاهده می‌شود:

«بابت تمام خیال‌پردازی‌هایش عذاب وجدان می‌گرفت و به مراسم اسپل‌سوزی پناه می‌برد.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۷۷)

۲-۲. تولد عشق و مقاومت: در شرایط سخت و سیاه زندگی، عشق، انسان‌ها را به مقاومت و ادامه حیات، ترغیب می‌کند؛ در داستان‌های گمانه‌زن نیز در اوج تباهی و ویرانی و ناامیدی، «قابلیت انسان‌ها به عشق‌ورزی و پیروی از اصول اخلاقی و مهربانی بدون قید و شرط» (شبرنگ، ۱۳۹۹: ۲۱۷)، بهترین بعد روابط انسانی است؛ در کاج‌زدگی، با وجود ممنوعیت عشق در حکومت دما، شخصیت‌ها برای فرار از روزمرگی به آن پناه می‌برند:

«خورشید عاشق سپیده بود و می‌گفت وقتی بزرگ شود، می‌خواهد با سپیده ازدواج کند.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۳۴)

در مه‌آلود نیز مانند داستان «جاده» که عشق پدر به پسرش دلیل ادامه زندگی و تحمل شرایط سخت آخرالزمانی بود، عشق شخصیت‌های اصلی داستان به یکدیگر، محرکی برای مقاومت و انگیزه‌بخش زندگی است: «من به دنیا آمده‌ام تا عاشق تو باشم و از تو محافظت کنم.» (آقای، ۱۳۹۷: ۱۴۰)

اما، در باران‌زاد، شرایط دشوار زندگی و درگیری‌های ذهنی، مانع از اندیشیدن به عشق می‌شود:

«تیرداد از نفس‌های آرام و عمیق لیلی وحشت می‌کند و سرش را می‌چرخاند به سمت انتهای راهرو.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۴)

ناراضیتی از اوضاع زندگی، عامل مقاومت در برابر استبداد است. در کاج‌زدگی، تدابیر سختگیرانه دما نتوانسته مانع مقاومت مردم شود: «بعضی به کودتا، برخی به ترور و عده‌ای به بمب‌گذاری معتقد بودند.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۱۵)؛ اما، امکان هر گونه رویارویی با حکومت، غیر ممکن است.

در مه‌آلود، مقاومت به صورت اعتراض‌های مردمی و بازگشت به ارزش‌های قدیمی دیده می‌شود؛ اما، در باران‌زاد، مقاومت، بیشتر فردی است و تلاش شخصیت‌ها برای مقابله با افراد شرور به چشم می‌خورد.

۳-۲. اندیشه ورزی: اندیشیدن، راهی برای گریز از سختی‌ها و رسیدن به آرزوها است. در کاج‌زدگی، نقش انسان رو به افول است و اندیشه‌ورزی بسیار محدود و معطوف به مسائل روزمره و فلاکت است: «تصور می‌کرد دما برای سرگرم نگه‌داشتن مردم این طرح را اجرا کرده‌بود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۵۳)

شخصیت اصلی مه‌آلود، با تفکر و یافتن راه‌حل‌ها، زندگی را تحمل‌پذیر می‌کند:

«اما با عقل جور در نمی‌آمد. بی‌شک چیزی وجود داشت که من از آن بی‌خبر بودم.» (آقای، ۱۳۹۷: ۷۴)

در باران‌زاد، که دنیایی جدید در حال شکل‌گیری است، اندیشه‌ها به دلیل کنترل ذهنی حکمرانان محدود شده و از گسترش باز می‌ماند.

۴-۲. ظهور انتقام: دنیای ایده‌آل یا همان آرمانشهر، خواست همیشگی بشر است؛ اما، هیچ‌گاه دست‌یافتنی نیست؛ زیرا، به وجود آوردن چنین دنیایی باعث نقض فردیت بشر شده که خوشایندش نیست و در پی تغییر شرایط نامطلوب است؛ این خواسته به شکل مقاومت و انتقام بروز می‌کند. در کاج‌زدگی، مردم برای انتقام از دما، ویروسی جدید ایجاد می‌کنند:

«ویروس مهندسی شده، کم‌کم و از طریق داروهای تقویتی وارد بدن پدر و مادرها شود و طی پنج سال، به تدریج باعث فوت آن‌ها شود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۸۰)

در مه‌آلود گرچه از استبداد کاسته شده؛ اما، باز هم انتقام جمعی و شورش علیه حاکمان دروغین مشاهده می‌شود:

«آتش انتقام و خشم پشت لایه نازکی از اشک شعله می‌کشید. ستم‌دیده‌ای که ستمگر شده بود.» (آقای، ۱۳۹۷: ۳۱۷)

اما، در باران‌زاد که فاجعه تمام شده و تمدن نو به وجود آمده، هرج و مرج‌ها فروکش کرده‌اند و مردم به آرامشی نسبی دست یافته‌اند؛ وضع زندگی بی‌ثبات است و انتقام، فردی است و بیشتر میان شخصیت‌ها دیده می‌شود:

«تیراد خنجر خونی را در قلب مارت فرو می‌کند.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۳۱۸)

۵-۲. همزادپنداری: داستان، به مثابه اثری هنری، شخصیت‌ها و رخدادها و حتی مکان‌هایی را که ممکن است غیرواقعی باشند، واقعی جلوه می‌دهد و از این رو خواننده آن‌ها را واقعی می‌پندارد. (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۱۷ و ۱۶)

بنابراین در فرایند داستان، واقعی انگاشتن حوادث، ارتباط عمیق‌تر و درک بیشتری از حالات روحی شخصیت‌های داستان را فراهم می‌آورد.

همزادپنداری، ارتباط عاطفی خواننده با شخصیت‌ها و تجربه احساسات آن‌ها است. در کاج‌زدگی، صحنه‌های توصیفی از مرگ، حس ترس و خشکی را به خواننده منتقل می‌کند: «چشم‌های ماهور گشاد شده بود و نفس عمیقی کشید و خشک شده روی زمین افتاد.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۵۶)

در مه‌آلود، صحنه‌های تعقیب و ترس، حس فرار و فریاد را در خواننده ایجاد می‌کند: «خدا! در فیلم‌های قدیمی دیده بودم که قاتل قبل از زجرکش کردن قربانی‌اش با یک هیس بلند او را به سکوت دعوت می‌کند... سنگینی دستی مردانه را روی شانه‌ام حس کردم.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۳۲)

در باران‌زاد، توصیف اجساد در کشتی امداد، اوج حس حضور در صحنه را برمی‌انگیزد: «اجساد را روی کشتی می‌آورد. آرمینا از جلو چند ضربه چاقو خورده بود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۹۴)

در آخر و در جمع بندی در مبحث مشخصه‌های بشری، شخصیت‌پردازی و هویت بشر در این سه داستان بر اساس ارزشمندی انسان‌ها است که در کاج‌زدگی در پایین‌ترین و در باران‌زاد در بالاترین میزان است؛ اما، روند رو به رشد ارزشمندی انسان‌ها در داستان باران‌زاد با رشد شخصیتی افراد نشان داده می‌شود و این تغییرات نشان‌دهنده رشد تدریجی انسان‌ها و جوامع در مواجهه با بحران‌ها بوده و بر اهمیت هویت و آزادی فردی در تمدن‌های جدید تأکید دارد.

در هر سه داستان، عشق، عامل اصلی امید و زندگی است؛ مقاومت در کاج‌زدگی و مه‌آلود به شکل جمعی دیده می‌شود، در حالی که در باران‌زاد به شکل فردی است؛ اندیشه‌ورزی در این آثار به عنوان راهی برای بقا و گریز از سختی‌ها مطرح می‌شود؛ اما، شدت آن با توجه به فضای داستان، متفاوت است؛ انتقام نیز در همه آثار دیده می‌شود؛ اما، شکل بروز آن از جمعی (کاج‌زدگی) به فردی (باران‌زاد) تغییر می‌کند؛ همزادپنداری، با توجه به توصیفات دقیق و جزئیات، نقطه مشترک همه این داستان‌ها است و به ارتباط بهتر خواننده با متن کمک می‌کند.

۳. مشخصه‌های محیطی و اقلیمی

۳-۱. شرح آینده‌ای مفروض-ابهام زمان: ویژگی اصلی ژانر علمی-تخیلی، به تصویر کشیدن آینده است؛ دغدغه نهایی نویسنده، امکانات یا مشکلاتی است که در دنیای آینده وجود خواهد داشت؛ جامعه‌ای در آینده‌ای مفروض (آدامز، ۱۳۸۳، الف: ۱۷۰)، دنیایی که فرا زمان است. در تمامی این داستان‌ها، آینده‌ای تاریک، مملو از فاجعه‌های طبیعی و انسانی به تصویر کشیده شده است؛ به این دلیل است که "برخی به آن، عنوان تاریخ‌نگاری آینده را نیز داده‌اند." (فدایی، ۱۳۶۹: ۳۳)

در کاج‌زدگی، دنیا به وضعیت پادارمانشهری رسیده که در آن، پیشرفت‌های علمی با وجود تهدیدهای گسترده، به شدت در حال افول است؛ زمین در این داستان، با هجوم بیماری و فقر به منطقه‌ای سرد و بی‌روح تبدیل شده است که با دنیای قبل فاصله زیادی دارد؛ سکونت‌گاهی در آینده که زمان مشخصی ندارد:

«گفت: این، جاکلیدی است... در شهر قدیم، خانه‌ها قفل داشتند و با کلید الکترونیکی باز می‌شدند و مردم برای این که کلیدهایشان را گم نکنند، آن‌ها را در این حلقه‌ها می‌انداختند.» (کاج‌زدگی، ۱۳۹۷: ۳۱)

در مه‌آلود، آینده‌ای پس از نابودی زمین روایت می‌شود که سیاره‌ای دیگر به محل سکونت بازماندگان تبدیل شده است؛ این سیاره به دست ایزدان، موجودات ساخته شده توسط بشر، اداره می‌شود:

«ایزدان سال‌ها پیش، به زمین حمله کردن.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۴۷)

در باران‌زاد، سیصد سال پس از نابودی خشکی‌ها، زمین پس از بلایای طبیعی از قبیل زمین‌لرزه، خشکسالی و باران‌های بی‌وقفه، زیر آب رفته و به مکانی برای زندگی جدید تبدیل شده است:

«برای وارثین جدید، هر چه قبل از مه بزرگ پیش آمده بود در ابری از تردید و هاله ای از ابهام باقی مانده بود؛ حتی، توالی و مدت زمان اتفاقات.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۶)

از نظر جغرافیایی، کاج‌زدگی و باران‌زاد در زمین رخ می‌دهند، در حالی که مه‌آلود در سیاره‌ای دیگر جریان دارد.

۳-۲. جغرافیای اقلیمی و ابهام مکان: کاج‌زدگی، در ناکجا آباد در زمین است که با هجوم بیماری و فلاکت و بیماری به منطقه‌ای خشک و سرد و بی روح تبدیل شده است؛ ناحیه‌ای منزوی و تنها، به دور از هر گونه ارتباط با جوامع دیگر؛ در مه‌آلود هم، محل اسکان جدید افراد باقی‌مانده پس از نابودی تمدن بر روی زمین، درجایی غیر از زمین است؛ تعداد کمی از ساکنان آن، در سرزمین هونا ساکن شده‌اند و امور زندگیشان دست ایزدان دروغین است.

جغرافیای اقلیمی در باران‌زاد، همین زمین است، «سیاره آب گرفته زمین» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۶)، در حالی که سراسر آن را آب فراگرفته و تمدن جدیدی بر روی آب در حال تشکیل است.

بنابراین، می‌توان گفت که از نظر جغرافیای اقلیمی هر سه داستان کاج‌زدگی و مه‌آلود و باران‌زاد در مکانی نامعلومند؛ با این تفاوت که کاج‌زدگی و باران‌زاد در جایی نامعلوم در زمین هستند و مه‌آلود در جایی نامعلوم در سیاره‌ای دیگر اتفاق می‌افتد.

۴. مشخصه‌های اجتماعی

۴-۱. نشان دادن نتایج تلخ یک تصمیم یا تفکر یا عملکرد در جامعه: اتفاقات نامنتظره، نتیجه اعمال نامتعارف است؛ در دنیای داستان‌ها، خصوصاً در غرب، دلیل اتفاقات پادآرمان‌شهر، آخرالزمان و پساآخرالزمان را نتیجه اعمال بد خود می‌دانند و معتقدند که «آنچه سبب ویرانی گسترده جهان گشته، فساد درونی نسل بشر است.» (شب‌رنگ، ۱۳۹۹: ۲۰۵)؛ یا «تنها عذاب الهی می‌تواند چنین ویرانی بر جای بگذارد» (همان: ۲۰۳)؛ این سه اثر نیز به تحلیل نتایج تصمیمات نادرست در سطح اجتماعی می‌پردازند؛ در کاج‌زدگی، فاجعه‌های اجتماعی نظیر مرگ‌های ناگهانی، قحطی و فروپاشی نظام اجتماعی از تصمیمات غلط حکومت دما به وقوع می‌پیوندد:

«ماد وارد فاز جدید آزمایش روی نمونه انسانی شده بود...همین شروع اپیدمی و فاجعه مرگباری شد که تا امروز جان انسان‌های زیادی را گرفته است.» (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۴۸)

مه‌آلود به فاجعه‌ای اشاره دارد که از دستکاری‌های ایزدان به وجود آمده است؛ این ایزدان، که در حقیقت انسان‌هایی از دوران پیش از نابودی زمین هستند، تصمیماتی گرفته‌اند که جامعه بشری را به نابودی کشانده‌اند:

«هر چی سر راهشون بود با خاک یکسان کردن. تقریباً همه مردمو قتل عام کردن... تا این که زمین خالی از سکنه شد.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۴۷)

در باران‌زاد، هیچ‌گونه دخالتی از سوی بشر در پیدایش فاجعه وجود ندارد و تمامی بلایا ناشی از نیروهای طبیعی است:

«زمین دهان باز کرده بود و شهرها و روستاهای زیادی را بلعیده بود...دشت‌ها شکافته شده بودند و سواحل دریا با یک رانش زمین بالا می‌آمدند و با رانش بعدی به زیر آب می‌رفتند.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۱)

۴-۲. تکنولوژی پیشرفته: در ژانر گمانه‌زن که آمیزه‌ای از دانش‌های رنگارنگ بشری است و ممکن‌ها و ناممکن‌ها را در قالب داستان به ارمغان آورده است (بردبری، ۱۳۷۵: ۱۸۸)، تکنولوژی که یکی از مظاهر پیشرفت علم در این داستان‌ها به شیوه‌ای متفاوت به کار گرفته می‌شود؛ در کاج‌زدگی، با وجود وضعیت بحرانی، تکنولوژی پیشرفته‌ای همچون کامپیوترهای همه‌کاره و هولوگرام‌ها وجود دارد که در خدمت نظارت و کنترل اجتماعی هستند:

«موقع سوار شدن، هولوگرام‌ها توسط وی دی سیستم کنترل ون اسکن شد. سیستم کنترل طوری طراحی شده بود که بر اساس هولوگرام، محل زندگی جدید ما را می‌دانست.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۹۱)

در مه‌آلود نیز تکنولوژی همچنان در خدمت بشر است؛ اما، از آن برای نظارت ایزدان و کنترل مردم استفاده می‌شود. در این داستان، تکنولوژی به‌طور همزمان برای بهبود زندگی و کنترل افراد به کار می‌رود. (آقایی، ۱۳۹۷: ۱۳۰، ۲۴۰) در مقابل، در باران‌زاد، پس از فروپاشی تمدن بشری، تکنولوژی تقریباً از بین رفته است و افراد جدید که در کشتی‌های باقی‌مانده زندگی می‌کنند، به‌طور کلی از فناوری‌های پیشین بی‌خبرند:

«صفحه کوچک دو وجبی شیشه‌ای را که پشتش فلز نقره‌ای رنگ داشت، بالا گرفت و توضیح داد که مردمان پیش از آب از همین صفحه برای دیدن کل دنیا استفاده می‌کردند.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۵)

بنابراین، هر یک از این آثار نگرش متفاوتی به تکنولوژی دارند؛ در کاج‌زدگی و مه‌آلود، تکنولوژی همچنان پیشرفته است و برای کنترل اجتماعی و نظارت بر افراد استفاده می‌شود، در حالی که در باران‌زاد، بشر از دسترسی به تکنولوژی بازمانده و تنها با بلایای طبیعی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

۴-۳. آشوب و هرج و مرج: هر تمدن نوپا پس از شکل‌گیری دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی است که نارضایتی مردم و آشوب و ناامنی را به وجود می‌آورد؛ هرج و مرج که در پی آشوب‌ها ایجاد می‌شود، نتیجه عدم توازن رضایتمندی‌ها است و مردم که به طرفداران و مخالفان تقسیم می‌شوند، عامل اصلی این تشنج‌ها هستند.

در کاج‌زدگی، اعتراضات مردمی و کمبود منابع موجب آشوب می‌شود و شرایط زندگی دشوار است: «هر روز قوانین تغییر می‌کرد. سعی و خطا می‌کردند و همه تلاششان در راه برقراری نظم به بی‌نظمی بیشتر و عدم ثبات سیستم‌های اجرایی و نظارتی منجر می‌شد.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۷)

در مه‌آلود، شورش‌ها به تدریج شدت می‌یابد؛ اما، ایزدان قدرت مدیریت دارند و شرایط را کنترل می‌کنند:

«مخالفتان که تعدادشان کم نبود، خواستار تغییرات در نظام حکومتی بودند. بعضی از انجمن‌ها شناسایی و اعضایشان بازداشت شدند.» (آقای، ۱۳۹۷: ۲۷)؛ در باران‌زاد هم هرج‌ومرج بیشتر در روح و روان مردم مشاهده می‌شود و جامعه فاقد نظم و مدیریت مؤثر است.

۴-۴. نظام‌مندی طبقاتی: رتبه‌بندی اجتماعی پدیده‌ای است که برابری اجتماعی و مردم‌سالاری را در جامعه نادیده می‌گیرد و در تاریخ، قدرت زیادی دارد و پدید آورندگان آن، شرایط و تحولات جامعه هستند. در هر سه داستان، رتبه‌بندی اجتماعی وجود دارد. در کاج‌زدگی، نظام طبقاتی بر اساس نزدیکی به حکومت دما شکل می‌گیرد و در مه‌آلود، طبقات بر مبنای مقام حکومتی تنظیم شده‌اند و افراد حکومتی از رفاه بیشتری برخوردارند؛ در باران‌زاد، جامعه بر اساس سلسله مراتب پیروان ناجی سازماندهی شده است و افراد رتبه بالا تصمیم می‌گیرند:

«تصمیم‌گیری درباره فرنا و دیگر شاگردان تیراد و مارت و ترفیع آن‌ها به پیرو سوم ناجی؛ اما، برای چنین تصمیمی معمولاً خود محفل اقدام می‌کند و حتی از استادان مستقیم هم نظری گرفته نمی‌شود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۶)

۴-۵. فریب و خیانت و زنده‌ماندن به هر قیمتی: در جوامع استبدادی، از آثار سوء اختناق و سرسپردگی، انحطاط اخلاقی در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی آن و سیاهی و تیرگی خیانت و فریب در روابط انسانی است. در کاج‌زدگی، حکومت، برای امتداد سلطه‌اش، مردم را فریب می‌دهد و در میان آن‌ها بی‌اعتمادی شکل می‌گیرد: «کم‌کم نگاه‌ها به هم مشکوک شده بود. همه فکر می‌کردند که فرد یا افرادی به آن‌ها خیانت کرده است.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۱۷)

در مه‌آلود، شخصیت اصلی میان وفاداری و خیانت درگیر است و در نتیجه تعارضات روح و ذهنش، به حکومت اطلاعات مهم می‌دهد:

«پناهگاهشان، افرادشان، همه و همه را می‌شناختم. به راحتی می‌توانستم آن‌ها را لو دهم.» (آقای، ۱۳۹۷: ۱۹۵)

در باران‌زاد، شروران داستان برای زنده‌ماندن، با خیانت و فریب به اهداف خود می‌رسند:

«هیچ کس از غیبت مارت خبر نداشت به غیر از یوما که می‌دانست لو دادن مارت بیش از همه به ضرر خودش تمام می‌شود. هر چه باشد آتش‌سوزی طبقه زیرین کشتی به دست یوما افروخته شده بود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۱۴)

۴-۶. کار گروهی و نفی فردیت: در جوامع استبدادی، کار گروهی برای کنترل افراد استفاده می‌شود. در کاج‌زدگی، گروه‌ها ابزاری برای نظارت حکومتی هستند و همه کارها به صورت گروهی انجام می‌شود؛ حکومت دما، کارگراها را در کارخانه‌ها به صورت گروهی استخدام کرده

است، مأمورانش گروه‌ها، افراد خانواده‌ها در گروه‌های هشت نفره در کنار هم زندگی می‌کنند و هر کودکی، چند پدر و مادر بزرگ دارد؛ در مه‌آلود هم، گروه‌های شورشی برای همدلی شکل می‌گیرند و تشکیل گروه‌ها بیشتر بر مبنای هم‌دلی است تا نظارت.

در باران‌زاد، فردیت اهمیت بیشتری دارد و کار گروهی دیده نمی‌شود و نظارت حکومتی کمتر است؛ محفل و پیروان ناجی با تحت تأثیر قراردادن اذهان مردم و هدایت آن‌ها به پایبندی به قوانین ناجی، نیازی به نظارت بر زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها ندارند و یقین دارند که خودکنترلی جامعه، اهرمی قوی برای هدایت آن‌ها به مسیر مورد نظر است؛ رواج فردیت در این ژانر نشان دهندهٔ بالا رفتن ارزش بشر در این دوره است؛ ناجی، حامی اصلی مردم، به تنهایی برای نجات مردم تلاش کرد؛ تیراد نیز به تنهایی مأموریت رسیدگی به زنان نوزاد مرده را داشت.

۴-۷. دین: بشر از آغاز زندگی در جست وجوی پناهی امن برای سختی‌ها و دغدغه‌های مادی و معنوی زندگیش است تا با تکیه بر آن، مصائبش را پشت سر بگذارد؛ اندیشه ورزی، رکن اصلی زندگی بشری و عامل اصلی آغاز دین در میان جوامع بوده و در ادامهٔ آن، خرافه‌پرستی به عنوان آفتی برای دین شناخته می‌شود؛ در کاج‌زدگی، دین نقشی ندارد و به هیچ عنوان از پناه بردن مردم به آن سخنی به میان نمی‌آید؛ در حالی که در مه‌آلود، ایزدان دروغین مردم را کنترل می‌کنند و به جای خداوند واقعی، با عنوان خدایی پرستیده می‌شوند: «مثال ایزدان، همین بت سنگی مسخره ای که اسم ایزدان روش نوشته و مردم احمق می‌پرستش.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۲۸)

در باران‌زاد، جامعهٔ دور از تمدن، با از دست دادن تمام زیر ساخت‌های زندگی قبلی، در آغاز تمدنی جدید است؛ ناجی به عنوان شخصیتی مقدس، قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده است و تقدسش تا حد نابودی مخالفان ادامه می‌یابد؛ پیروان معتقدند که باید تمام اعمال و ایمان مردم بر مبنای فرامین ناجی بوده و هر گونه تغییر اساسی در وضع زندگی، آن‌ها را از او دور می‌کند؛ بنابراین با تغییر و نوشدن زندگی کاملاً مخالفند و آن را ناشکری می‌دانند: «این حسرت‌ها و ناشکری‌ها خشم دریا را به دنبال می‌آورد. بابت تمام خیال پردازی‌هایش عذاب وجدان می‌گرفت.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۷۷). در انتهای هر دو داستان مه‌آلود و باران‌زاد از خرافات پرده‌برداری شده و شخصیت‌های اصلی از این دروغ‌ها آگاه می‌شوند:

«باید جلوی آکسان را می‌گرفتیم و جلوی خرافاتی را که به اسم اجداد من، بین مردم دریا پخش شده بود.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۳۰)

۴-۸. مرگ‌اندیشی و تاریکی و سکوت و افسردگی: در جوامع پادآرمان‌شهر، مرگ‌اندیشی به‌طور غالب به‌عنوان یک واکنش به وضعیت‌های ناهنجار اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شود؛ در چنین جوامعی که زندگی مردم در شرایط سخت و اختناق قرار دارد، تاریکی و سکوت و افسردگی همه جا را فرا گرفته؛ مرگ به‌عنوان یکی از روش‌های احتمالی رهایی و فرار از این وضعیت‌ها دیده می‌شود.

در داستان‌های مختلفی که در این گونه جوامع روایت می‌شود، مرگ نه تنها به عنوان پایان زندگی، بلکه به عنوان اعتراض و تلاشی برای گریز از ظلم و استبداد مطرح می‌گردد. در کاج‌زدگی، که یک پادآرمان‌شهر با ویژگی‌های خاص خود را به تصویر می‌کشد، مرگ به عنوان وسیله‌ای برای فرار از دنیای پر از فساد و سیاهی و سردی مطرح می‌شود. در اینجا، مرگ به طور افراطی به عنوان راهی برای رهایی از یأس و ناامیدی و مقابله با بی‌رحمی‌های حاکمیت دیده می‌شود. شخصیت‌ها در این داستان، با انتخاب مرگ، می‌خواهند از چرخه بی‌پایان رنج و ستم و تاریکی و سردی زندگیشان رهایی یابند:

«چه طور می‌شود از زندگی نوشت، وقتی مرگ از در و دیوار شهر آویزان است؟» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

در چنین شرایطی، مرگ برای شخصیت‌ها به عنوان یک اعتراض جمعی و همچنین رهایی از سختی‌های زندگی پذیرفته می‌شود.

در مقابل، درمه‌آلود، به‌ویژه در مواجهه با استبداد و شرایط سخت سیاسی، مرگ‌اندیشی به شکل روشنی حضور ندارد؛ در این جامعه، گروهی از افراد به جای تسلیم و فرار به مرگ، راه مبارزه و ایستادگی در برابر حاکم را برمی‌گزینند؛ آن‌ها برای ساختن آینده‌ای بهتر برای خود و نسل‌های آینده، به مقاومت ادامه می‌دهند؛ در این داستان، با این که در استبداد ایزدان، از سردی و سیاهی اوضاع زندگی کاسته نشده است، مرگ به عنوان یک راه گریز دیده نمی‌شود؛ بلکه بر مبارزه و تغییر، تأکید می‌شود: «مخالقان که تعدادشان کم نبود با تشکیل انجمن‌های مخفی خواستار تغییراتی در نظام حکومتی بودند» (مه‌آلود: ۲۷)؛ در این داستان، مبارزه و تلاش برای دگرگونی اجتماعی و سیاسی برجسته است و مرگ نه تنها انتخاب نمی‌شود، بلکه به عنوان یک عامل ایستایی و تسلیم به نظر می‌آید.

در باران‌زاد، که در فضای پساآخرالزمانی است، با وجود فجایع و مصیبت‌های فراوانی که در گذشته بر انسان‌ها رفته است و «دارای خشونت و تیرگی و تباهی هستند.» (مجبی، ۱۳۹۶: ۱۴)، مرگ، جزء جدانشدنی زندگی به‌شمار می‌آید؛ در این جامعه، زندگی پس از فجایع بسیار، همچنان ادامه دارد و مرگ نه اعتراض است و نه فرار از شرایط اجتماعی و معنای خاصی ندارد، بلکه به عنوان پدیده‌ای طبیعی پذیرفته می‌شود.

۴-۹. ترس (در همه ابعاد) و امید: دو مقوله‌ای که در تمامی جوامع به‌شکلی پیچیده با یکدیگر در هم تنیده‌اند، ترس و امید هستند. در کاج‌زدگی، ترس از حکومت، بیماری، مرگ و بیگانگان سایر تهدیدات به‌شدت بر زندگی مردم سایه انداخته است. این ترس‌ها در ذهن شخصیت‌ها به طور دائم حضور دارند و زندگی آنان در وحشتی مدام در جریان است. مردم در این جامعه، چه پیر و چه جوان، به خاطر از دست دادن جان خود، خانواده، دوستان و حتی امید به آینده می‌ترسند؛ در این فضای سرشار از ترس، حس امید نیز به‌طور غریزی در افراد وجود دارد؛ مردم در

عین ترس از حکومت و مرگ، هنوز امید دارند که روزی وضعیت تغییر کند و شرایط بهتری پیش آید: «امیدوارم این روزها بگذرد و اگر زنده بمانم، خودم بتوانم دفترچه‌ام را بیرون آورم.» (کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۵۰-۱۵۱)

در این جامعه، امید به آینده‌ای بهتر، حتی در میانه تهدیدات و خطرات، زنده می‌ماند و ترس از دست دادن همه‌چیز، انسان‌ها را به‌سوی مقاومت و استقامت سوق می‌دهد دقیقاً مانند داستان جاده که ترس از شرایط آخرالزمانی و آدم‌های نیمه‌جان آدم‌خوار، با امید پسرک به یافتن انسان‌های دیگر، در هم تنیده بود.

در مه‌آلود، ترس از بیگانگان به‌عنوان تهدیدی بزرگ، مردم را به‌سوی واکنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌کشاند؛ در این جامعه، ترس از بیگانگان و بی‌عدالتی‌های حکومت ایزدان، در کنار امید به پیروزی و بهبود شرایط، به‌طور هم‌زمان بر زندگی شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد: «اگر ما شکست بخوریم، هونا تا ابد به حیات خودش ادامه می‌دهد و انسان‌ها عملاً تبدیل به حیوانات دست‌آموز می‌شن.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۹۱)؛ در این‌جا، امید به پیروزی در برابر بیگانگان و بازسازی جامعه، با ترس از دست دادن آزادی و استقلال همراه است.

در باران‌زاد، به‌دلیل آرامش نسبی پس از شکل‌گیری تمدن جدید، ترس از بیگانگان وجود ندارد. جامعه در این داستان از کشتی‌ها و جزایر کوچک به‌عنوان مکان‌هایی برای زندگی و بازسازی استفاده می‌کند و هیچ تهدید خارجی احساس نمی‌شود؛ بنابراین، ترس از بیگانگان در این فضا حذف شده و مردم در آرامش نسبی به‌سر می‌برند؛ اما، در عین حال، امید به بهبود شرایط و بازسازی جامعه، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های ژنتیکی و تغییرات محیطی، کاملاً واضح است.

۴-۱۰. موجودات عجیب و غریب: از جمله عناصری که هیجان و پیچیدگی خاصی به داستان‌های گمانه‌زن می‌دهند، موجودات عجیب و غریبی هستند که با ریشه در فرهنگ و افسانه‌ها، با شکل و عناوین متفاوت و بنا به علتی در زندگی بشر حضور دارند؛ گاه دیده می‌شوند و گاه پنهانند؛ «آن‌ها به شکل انسان-حیوان، حیوان-حیوان، حیوان-گیاه، انسان-گیاه» (طاهری، علیرضا-حقیقی، مریم، ۱۳۹۱: ۲۸)، با بشر هم زیست هستند؛ این مخلوقات ترکیبی، ظاهری شبیه به انسان دارند و یا حالتی انسانی دارند، یا ماورایی هستند یا به عنوان نیروهای کمکی به بشر، همدمش هستند و برخی هم به صورت موجوداتی شرور که با خلق حوادث ناخوشایند به بشر آزار می‌رسانند، معرفی می‌شوند. «حیات طولانی و گسترده این مخلوقات حکایت از فایده اجتماعی، روانی، عاطفی و فرهنگی این مخلوقات برای انسان و جوامع دارد.» (اکرامی فر، محمود رضا، ۱۳۹۳: ۴۸)

در کاج‌زدگی، سربازان بیولوژیکی حکومت دما، موجوداتی مصنوعی هستند که به‌دنبال دستورات حکومت، اعمال خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه‌ای انجام می‌دهند؛ آن‌ها با ویژگی‌هایی مشابه با موجودات غیرانسانی، وظایف خود را طبق برنامه‌ریزی‌های حکومتی انجام می‌دهند و عملاً از انسان‌ها جدا شده و به موجوداتی بی‌احساس تبدیل می‌شوند: «انسان‌هایی مصنوعی با خصوصیات

ژنتیکی مهندسی شده. اغلبشان کم‌هوش؛ اما، با توان فیزیکی و نظامی زیاد، طراحی می‌شدند.» (کازمی، ۱۳۹۷: ۱۳۱)

در مه‌آلود، نسناس‌ها به‌عنوان موجودات عجیب و قدرتمند ظاهر می‌شوند که بدون نیاز به استراحت، به‌طور مداوم در خدمت ایزدان عمل می‌کنند؛ آن‌ها از ویژگی‌های خارق‌العاده‌ای برخوردارند و هیچ‌گاه خسته نمی‌شوند:

«نسناس‌ها بدون اجازهٔ ارباب‌هایشان حق خروج از خانه را نداشتند. موجود کوتولهٔ بی موی پیر، با آن چشم‌های ورقلمبیده و دندان‌های تیزش، نسناس‌ها مخلوقات وفادار ایزدان بودند.» (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۶)

درباران‌زاد، موجودات ژنتیکی و ماهی‌های جهش‌یافته عجیب و غریب‌اند؛ این موجودات، در آینده به‌عنوان واسطه‌ای میان انسان‌ها و دنیای آبریان عمل خواهند کرد:

«این جهش ژنتیکی به نزدیک شدن گونهٔ انسان و ماهی‌ها مرتبط است.» (کازمی، ۱۳۹۷: ۲۹۸)

۴-۱۱. آموزش‌های نظامی و رزمی زیر نظر رهبر (منجی): لازمهٔ بقای ملت‌ها و محافظت آن‌ها در برابر دشمنان خارجی و داخلی هر کشوری، تجهیز آن به لوازم و سلاح‌های نظامی است که محافظ جان و مال مردم باشد. دوام مجامع در گرو راهکارهایی است که در مقابله با دشمنان امنیت، صادر می‌شود؛ این آموزش‌ها نیز در این داستان‌ها به‌طور متفاوتی به تصویر کشیده شده‌اند. در کاج‌زدگی، مردم در پناه هیچ رهبری (یا منجی) نبوده و حکومت، آموزش‌های نظامی را اعمال می‌کند و مأموران دما با تجهیزات و دستورات خاص خود وارد عمل می‌شوند:

«رویارویی با نیروهای دما، با هر تئوری که به ذهنشان می‌رسید، حکم مرگ داشت.» (کازمی، ۱۳۹۷: ۱۳۳)

درمه‌آلود، رهبر یا منجی، بانو و سپس حوا است؛ شخصی عادی در شهر که در جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی در خیابان‌ها به‌طور مداوم حضور دارد؛ نظامی‌گری در قالب تجهیزات جنگی و حکومت نظامی‌های شبانه و تعقیب و گریز مأموران ایزدان و شورشیان، در خیابان‌های شهر دیده می‌شود که سبب کشتار مردم عادی می‌شود.

در داستان باران‌زاد، منجی ظهور کرده و قهرمان نجات بخش است (ستاری ساربانقلی، ۱۳۹۵: ۳۰) و پیروان دین‌های پیش از فراگیری آب، تمدن و قوانین جدید رهبر بزرگ، ناجی را نپذیرفته و آتش جنگ و خونریزی را بر می‌فروزند:

«جنگ با پیروان ادیان پیش از آب، به کشتی ناجی رسیده بود. بیرون کشتی و دم اسکله ی ناجی، پیروان دوم و سوم و ساکنین جزیره با سربازان دشمن می‌جنگیدند» (کازمی، ۱۳۹۷: ۶۳)

۴-۱۲. دگرگونی و آشنایی‌زدایی و تازگی‌ثانویه: تفاوت ژانر گمانه‌زن با دیگر ژانرها، دگرگونی و متفاوت بودن با روند همیشگی داستان‌نویسی است. «این ژانر به شکلی داستانی، عامیانه و قابل فهم، شیوه‌ای برای شناخت دگرسانی فراهم می‌کند.» (آدامز، ۱۳۸۳، ب: ۱۰۶)؛ در بررسی ژانر گمانه‌زن، پدیدهٔ آشنایی‌زدایی و تازگی‌ثانویه به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تغییر در روایت‌ها و داستان‌ها مطرح می‌شود؛ این مفهوم به معنی بازگویی داستان‌هایی با محتوای قدیمی است که در قالبی نوین و با طراحی جدیدی به نگارش درآمده‌اند؛ به عبارت دیگر، در این ژانر، ساختار و شکل

داستان با توجه به زمان نویسنده تغییر می‌کند؛ اما، محتوای آن، در گذشته و حال، مشابه باقی می‌ماند. در این راستا، آشنایی زدایی به معنای ایجاد حس تازه در داستان‌های آشنا است و تازگی ثانویه به بازخوانی دوباره وقایع و تصورات قدیمی در قالب‌های جدید اشاره دارد و به معنای «انتخاب فکری قدیمی و واژگون کردن آن در داستان» (شاه، ۱۳۸۱: ۶۰) است.

در رمان کاج‌زدگی، اپیدمی هولناکی باعث مرگ همه انسان‌ها می‌شود؛ منشاء این بیماری، جهش ژنتیکی و تغییر در ساختار کلسیم بدن بیمار است؛ این بیماری، با توجه به ویژگی‌های نو و ظاهر جدید خود، به‌طور قابل‌توجهی بازآفرینی بیماری‌های تاریخی نظیر وبا، حصبه و تیفوس است. در حقیقت، بیماری کاج‌زدگی از لحاظ مفهوم مشابه بیماری‌های همیشگی در تاریخ بشریت است؛ اما، در ساختار و حمله آن، دگرگونی^(۹) ایجاد و موجب تازگی ثانویه می‌شود. تغییر شکل بیماری و ناگهانی بودن حمله آن باعث ایجاد حسی تازه در خواننده می‌شود، به‌ویژه زمانی که به‌طور آنی منجر به خشک شدن یکباره بیماران می‌شود.

در رمان مه‌آلود، آشنایی زدایی به‌شکل متفاوتی ظهور می‌کند؛ در این داستان، نسناس‌ها موجوداتی هستند که در داستان‌های قدیمی نیز وجود داشته‌اند؛ اما، ویژگی‌ها و رفتارهای آن‌ها دگرگون شده است؛ این تغییرات به ایجاد حسی جدید برای خواننده منجر می‌شود که ترکیبی از آشنایی زدایی و تازگی ثانویه است؛ در این رمان، نسناس‌ها با رفتارهایی متفاوت با گذشته و ویژگی‌های نوین به تصویر کشیده می‌شوند و این امر باعث می‌شود که خواننده به‌طور همزمان حس آشنایی با مفهومی قدیمی و تازگی با شکلی نوین از آن را تجربه کند.

رمان باران‌زاد نیز تازگی ثانویه دارد؛ در دنیای واقعی و در زمان قبل از شکل‌گیری خشکی‌ها، کره ی زمین، آبی بوده است، سپس خشکی‌ها شکل می‌گیرند؛ اما، در باران‌زاد، که به زمان پس از آب بزرگ معروف است، خشکی‌ها وجود داشته، سپس زیر آب رفته اند؛ هم‌چنین، در دنیای واقعی، انسان‌ها قبل از شکل‌گیری خشکی‌ها وجود نداشتند؛ اما، در داستان باران‌زاد، بشر در زمان زیر آب رفتن خشکی‌ها حضور داشته و زندگی می‌کرده است؛ این دگرگونی در زمان و فضای داستان، آشنایی زدایی است و برای تاریخ زمین‌شناسی واقعی، تازگی ثانویه ایجاد می‌شود.

مراسم اشپل‌سوزی، که برای پاک شدن از گناهان انجام می‌شود، مثال دیگری از آشنایی زدایی در باران‌زاد است که به بازسازی و دگرگونی خرافه‌پرستی در دوران مدرن بازمی‌گردد؛ این مراسم، که در گذشته‌های دور رایج بوده، در این داستان با پوشش جدیدی از قوانین ناجی و با ویژگی‌های نوین به‌تصویر کشیده می‌شود. این تکرار خرافات قدیمی به‌صورت جدید، باعث ایجاد تازگی ثانویه می‌شود.

۵. نتیجه

ژانر گمانه‌زن نوعی داستان‌گویی است که در آن، قوانین جهان داستان با واقعیت‌های دنیای واقعی متفاوت است. نویسندگان این ژانر به بررسی پیامدهای تغییرات ممکن در دنیای واقعی می‌پردازند و با تغییر ساختارهای شناخته‌شده، به دنبال به تصویر کشیدن آینده‌ای متفاوت از آنچه که در حال حاضر وجود دارد، هستند. پادآرمان‌شهرها، داستان‌های آخرالزمانی و پساآخرالزمانی، زیر مجموعه‌های این ژانر هستند که در این مقاله، ویژگی‌های آن‌ها در آثار کاج‌زدگی، مه‌آلود و باران‌زاد، در چهار شاخه بررسی و مقایسه شده‌اند؛ مقایسه‌ها نشان می‌دهد که این سه ژانر توالی زمانی داشته و دنیای داستان‌های گمانه‌زن با پادآرمان‌شهر آغاز شده و در خلال فروپاشی تمدن به آخرالزمانی رسیده و دوران پس از فاجعه و شکل‌گیری تمدن جدید در پساآخرالزمان دیده می‌شود.

در مقایسه ویژگی‌های حکومتی در این سه داستان، کاج‌زدگی دارای بالاترین میزان استبداد و تمامیت‌خواهی حکومت است، در حالی که باران‌زاد، کمترین بسامد این ویژگی‌ها را دارد. در ویژگی‌های بشری در کاج‌زدگی، بی‌هویتی بشر و تسلیم در برابر دیکتاتوری حکومت بیشتر از سایر آثار به چشم می‌آید، در حالی که در باران‌زاد با فضای دیکتاتوری کمتر، این ویژگی، کمترین میزان را دارد. همچنین، در هر سه داستان، شخصیت‌پردازی و تلاش برای زنده ماندن، حتی در شرایط سخت استبداد، به وضوح مشاهده می‌شود.

در بررسی مشخصه‌های اجتماعی، هر سه داستان دارای نظام طبقاتی و آشنایی‌زدایی از وقایع قدیمی هستند که نتیجه‌ای تلخ از رخدادها و فجایع را به همراه دارند؛ کاج‌زدگی، نمایانگر یک فاجعه انسانی است که بر اثر تصمیمات یک گروه بی‌رحم به وجود آمده و دین و منجی در آن جایگاهی ندارند. در مقابل، مه‌آلود و باران‌زاد نتیجه فجایع طبیعی هستند که در آن‌ها اعتقاد به ایزدان و ناجی وجود دارد.

اوضاع اجتماعی این داستان‌ها نیز در شرایطی قرار دارد که تغییر وضعیت زمین و وجود موجودات عجیب و غریب در آن‌ها مشترک است؛ کاج‌زدگی و مه‌آلود بیشتر به سمت استبداد و دیکتاتوری پیش رفته‌اند، در حالی که در باران‌زاد، فردیت و آزادی بشر اهمیت بیشتری دارد؛ پس کمترین میزان مرگ‌اندیشی هم در آن مشاهده می‌شود.

در بررسی مشخصه‌های اقلیمی، نتیجه گرفته شد که هر سه داستان در ناکجاآباد هستند؛ کاج‌زدگی و باران‌زاد در جایی نامعلوم در زمین و مه‌آلود در سیاره‌ای غیر از زمین، اتفاق افتاده‌اند.

پی‌نوشت

1. Robert Anson Heinlein
2. Gerald R. Lucas
3. Margaret Elenor Atwood
4. Dystopia

5. Dystopian Literature
6. Antiutopian Literature
7. Apocalyptic fiction
8. Post-apocalyptic fiction
9. Otherness

منابع

- اسدی، شهام (۱۳۹۶). «از اتوپیا تا دیس اتوپیا- نقدی بر درام سیاسی- اجتماعی نظامات توتالیتری (نمونه موردی قلعه حیوانات)». پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۳، صص ۱۵۹-۱۳۵.
- افشار، حمید رضا (۱۳۹۱). «آرمانشهر در اندیشه سیاسی غرب و بازتاب آن در تئاتر معاصر». مشرق موعود، شماره ۲۱، صص ۴۷-۶۴.
- امینی نسب، الهام (۱۳۹۵). «بررسی مدینه فاضله در اندیشه سیاسی فارابی». پارسه، شماره ۲۶، صص ۴۶-۱۹.
- اسلام پور، محمدحسین؛ حق‌لسان، مسعود و عباس‌زاده، زهره (۱۳۹۷). «اندیشه‌های آرمان‌شهر و پادآرمان‌شهر از دیدگاه صاحب نظران شعر معاصر (سهراب سپهری و فریدون مشیری)». باغ نظر، شماره ۶۳، صص ۷۴-۶۵.
- اکرامی‌فر، محمودرضا (۱۳۹۴). «اسطوره جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسان». مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۳۰، صص ۴۱-۶۵.
- آدامز، رابرت (۱۳۸۳)، الف. «تعریف ژانر علمی تخیلی». ترجمه زهرا نوحی، فارابی، شماره ۵۳، صص ۱۹۲-۱۶۹.
- _____ ب. «داستان‌های علمی تخیلی چیست؟». ترجمه آیدا دمهری و سیروس امیری، /رغنون، شماره ۲۵، صص ۷۹-۱۲۴.
- آقای، آلیستا (۱۳۹۷). مه‌آلود، چاپ اول، تهران: باژ.
- برادبری، ری (۱۳۷۵). «داستان‌های علمی تخیلی قبل از میلاد و بعد از ۲۰۰۱». ترجمه هادی پیام، ادبیات داستانی، شماره ۳۹، صص ۱۸۸-۱۸۴.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۹۴). در آمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، چاپ ششم، تهران: افراز، صص ۱۷-۱۶.
- حاج‌زمان، محمد (۱۳۹۰). «نقش داستان‌های علمی تخیلی در دانش و زندگی بشر». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۷۰، صص ۱۸-۱.
- حریری، خلیل (۱۳۹۱). «بررسی و مقایسه آرمان‌شهر سهراب سپهری و پادآرمان‌شهر طاهره صفارزاده». ادب و عرفان، شماره ۱۱، صص ۱۹۰-۲۰۵.
- زندحقیقی، مریم؛ طاهری، علیرضا (۱۳۹۱). «تصویر دیو، غول و جن در کتاب (عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات) القزوينی». نقش مایه، شماره ۱۲، صص ۳۸-۲۷.
- ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۵). «منجی شهر در سینمای آخرالزمانی»، رسانه و فرهنگ، شماره ۱، صص ۴۲-۱۹.
- شاو، باب (۱۳۸۱). «داستان علمی تخیلی چیست؟»، ترجمه خیام فولادی تاتاری، ادبیات داستانی، شماره ۵۹، صص ۶۶-۵۷.
- شب‌رنگ، هدی (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی فضای پساآخرالزمانی در رمان جاده اثر کورمک مک کارتی، اسطوره جام مقدس و پادشاه ماهیگیر». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۶۱، صص ۲۲۲-۱۹۵.
- فدایی، فرید (۱۳۶۹). «روانشناسی و جامعه‌شناسی داستان‌های علمی-تخیلی». دبستان فرهنگ و هنر، شماره ۶، صص ۳۳-۳۰.

کاظمی، ضحی (۱۳۹۷). *باران زرد*، چاپ دوم، تهران: تندیس.

_____ (۱۳۹۷). *کاج زدگی*، چاپ اول، تهران: چشمه.

محبی، زهره (۱۳۹۶). «سیر تحول ژانر پسا آخرالزمانی از سینمای زنده تا انیمیشن»، به راهنمایی فاطمه حسینی شکیب، دانشکده سینما تئاتر.

میرصادقی، جمال (۱۳۷۷). *واژه نامه هنر/داستان نویسی*. چاپ اول، تهران: کتاب مهناز.

_____ (۱۳۹۲). *داستان های خیالی*، چاپ دوم، تهران: سخن .

منابع سایتی:

بی نا (۱۴۰۴). «آن چه باید در مورد ادبیات گمانه زن بدانیم». ایران کتاب،

<https://www.iranketab.ir/blog/speculative-fiction> ۱۴۰۴/۱/۳۱

Abadis. (n.d.). Retrieved January 27, 2025, from <https://abadis.ir> Gerald R Lucas (2010), " *speculative Fiction* "، WILEY Online Library، <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/9781444337822.wb> ، ۱۴۰۴/۲/۳

<https://www.iranketab.ir/blog/speculative-fiction>

References

Adams, Robert (1383), a, " Definition of Science Fiction Genre", Translated by Zahra Noohi, Farabi, vol.53, Autumn, 169-192. [In Persian]

Adams, Robert (1383), b, " What Is Science Fiction Stories? ", Translated by Aida Damehri and Siros Amiri, Arghanoon, vol.25, Autumn, 79-124. [In Persian]

Aghaei, Alista (1397), Mah Alood, Ch 1, Tehran, Bajh. [In Persian].

Afshar, Hamid Reza (1391), " Utopia in Western Political Thought and Its Reflection in Contemporary Theater", Mashreq Mo'oud, vol.21, Spring , 47-64. [In Persian]

Amini Nasab, Elham (1395), " A Study of the Ideal City in Al-Farabi's Political Thought" Parseh, vol.26, Spring and Summer, 19-46. [In Persian] and Haghighi, Maryam and Alireza Taheri (1391), " The Image of Demon, Giant, and Jinn in "Wonders of Creation" by Qazvini " , Naqsh Mayeh, vol. 12 , Autumn, 27-38. [In Persian]

Asadi, Shaham (1396), " From Utopia to Dystopia: A Critique on Political-Social Drama of Totalitarian Regimes (Case Study: Animal Farm)", Research in Art and Humanities, vol.3, Shahrivar, 135-159. [In Persian]

Bina (1404), " What We Should Know About Speculative Fiction", Iran Ketab. [In Persian]

Biniyaz, Fathollah (1394), " An Introduction to Storytelling and Narratology", Ch 6, Tehran, Afraz , 16-17. [In Persian]

Bradbury, Ray (1375), "Science Fiction Stories Before Christ and After 2001", Translated by Hadi Payam, Fiction Literature, vol. 39, Spring, 184-188. [In Persian]

Ekramifar, Mahmoud Reza (1394), "The Myth of Jinn and Fairy in the Oral Literature of Khorasan", Studies on Culture and Communication, vol. 30, Summer, 41-65. [In Persian]

Eslampour, Mohammad Hossein, Haq Lesan, Masoud and Zohreh Abbaszadeh (1397), "Utopian and Dystopian Thoughts from the Perspective of Contemporary Poets (Sohrab Sepehri and Fereydoon Moshiri)", Bagh-e Nazar, vol. 63, September, 65-74. [In Persian]

Fadaei, Farbod (1369), "Psychology and Sociology of Science Fiction Stories", Adabestan-e Farhang va Honar, vol. 6, Khordad, 30-33. [In Persian]

Haj Zaman, Mohammad (1390), "The Role of Science Fiction Stories in Human Knowledge and Life", Ketab-e Mah-e Koodak va Nojavanan, vol. 170, Autumn, 1-18. [In Persian]

Kazemi, Zoha (1397), Baran Zad, Ch 2, Tehran, Tandis. [In Persian]

_____ (1397), Kaj Zadegi, Ch 1, Tehran, Cheshmeh. [In Persian]

Mohebbi, Zohreh (1396), "The Evolution of Post-Apocalyptic Genre from Live Cinema to Animation", Supervised by Fatemeh Hosseini Shakib, Faculty of Cinema and Theater. [In Persian]

Mir Sadeghi, Jamal (1377), Glossary of the Art of Storytelling, Ch 1, Tehran. Ketab Mahnaz, vol. 7. [In Persian]

_____, (1392), Imaginary Stories, Ch 2, Tehran, Sokhan, vol. 14. [In Persian]

Sattari Sarbanqoli, Hassan (1395), "The Savior of the City in Apocalyptic Cinema", Media and Apocalyptic Culture, vol. 1, Spring and Summer, 19-42. [In Persian]

Shabrang, Hoda (1399), "A Comparative Study of Post-Apocalyptic Space in Cormac McCarthy's 'The Road', the Myth of the Holy Grail, and the Fisher King", Mystical Literature and Mythology, vol. 61, Winter, 195-222. [In Persian]

Shaw, Bob (1381), "What Is Science Fiction?", Translated by Khayyam Fouladi Tatari, Fiction Literature, vol. 59, Ordibehesht, 57-66. [In Persian]

